

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۶/۱۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۴/۲۰

مطالعه مستندنگارانه شیوه بافت گلیم

شیریکی پیچ معاصر سیرجان

رسول پروان

عضو هیئت علمی گروه فرش، مرکز آموزش عالی فرش راور، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران

E-mail: rasoul.parvan@gmail.com

چکیده

شیوه پیچ‌بافی گلیم طی قرون گذشته در ایلات و عشایر استان کرمان به‌ویژه در ایل افشار در منطقه سیرجان رایج بوده و به عنوان تزئین سفره‌ها و نمکدان‌ها کاربرد داشته است. تا این‌که چند دهه‌ای است در شیوه بافندگی گلیم در این منطقه تحولاتی رخ داده و پیچ‌بافی در تمام سطح گلیم به کار رفته و با نام «گلیم شیریکی پیچ» نامور شده است. شیوه پیچ‌بافی بعد از این‌که با شیوه‌ای مستقل پدید آمد، با قالببافی ترکیب شد و گونه‌ای از گلیم شیریکی پیچ با نام «گلیم - قالی» شکل گرفت و گونه صرفاً پیچ‌باف آن «گلیم سوزنی» نامیده شد. این سؤالات مطرح است که چه نوع مواد اولیه و ابزار بافتی در «گلیم شیریکی پیچ» استفاده می‌شود و ویژگی‌های فنی چله‌کشی و بافت آن به چه صورت است و چه تحولاتی در دهه‌های اخیر در شیوه

بافت این نوع گلیم رخ داده است؟ لذا در این مقاله ضمن بررسی شیوه پیچ‌بافی در گلیم منطقه سیرجان در استان کرمان، تمامی مراحل بافت گلیم به صورت تخصصی مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به این‌که برخی منابع تنها به اشاراتی کوتاه در زمینه فنون و عوامل بافت گلیم شیریکی پیچ بسنده کرده‌اند، در این مقاله با روش تحقیق توصیفی با استفاده از منابع تخصصی فرش و مطالعات میدانی به مسائل فنی این نوع گلیم در سیرجان و تحولات بافندگی آن در دهه‌های اخیر پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: سیرجان، گلیم پیچ‌باف، گلیم سوزنی، گلیم شیریکی پیچ، «گلیم - فرش»، «گلیم - قالی»



دوفصلنامه علمی - پژوهشی
انجمن علمی فرش ایران
شماره ۳۱
بهار و تابستان ۱۳۹۶

■ مقدمه

بافندگی گلیم با شیوه‌های بافت گوناگون در مناطق فرشبافی ایران رایج است که هر یک از آن‌ها ویژگی‌های منحصر به فردی دارند. هدف از این پژوهش، مطالعه مستندنگارانه شیوه بافندگی «گلیم شیریکی پیچ» در منطقه سیرجان به عنوان یکی از صنایع دستی مهم استان کرمان است که هم از نظر فرهنگی و هم از نظر اقتصادی اهمیت دارد. آنچه در این مقاله توصیف شده است، پاسخ به این پرسش‌هاست: ۱- چه نوع مواد اولیه و ابزار بافندگی در بافتن «گلیم شیریکی پیچ» کاربرد دارد؟ ۲- شیوه چله‌کشی و شیوه بافندگی این نوع «گلیم پیچ‌باف» در منطقه سیرجان چگونه است و در دهه‌های اخیر چه تحولاتی در آن رخ داده است؟ در واقع سؤال اول درآمدی بر سؤال دوم است؛ زیرا بررسی شیوه چله‌کشی و بافندگی فرش بدون توجه به نوع مواد اولیه و ابزار بافندگی مطلبی جامع نخواهد بود. به این دلیل قبل از بررسی شیوه‌های بافت گلیم پیچ‌باف در شهرستان سیرجان، نوع مواد اولیه، ابزار بافندگی و سپس چگونگی چله‌کشی بر روی دار افقی گلیم شیریکی پیچ مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت به شیوه‌های متأخر بافندگی این نوع گلیم پیچ‌باف و تحولات آن پرداخته شده است.

«گلیم پیچ‌باف» پس از ورود ایلات و عشایر مهاجر، که مهم‌ترین آن‌ها ایل افشار است، در اوایل دوره صفویه در حدود پنج قرن پیش در ولایت کرمان شکل گرفته است (پروان، ۱۳۹۴؛ ۳۴). شیوه پیچ‌بافی گلیم در گذشته برای تزئین سفره‌ها^۱ و نمکدان‌ها^۲ در نقش‌مایه‌های کوچکی در مناطق عشایری باف استان کرمان در مناطق سیرجان، بافت، جیرفت، شهر بابک و بردسیر به کار رفته است (تناولی، ۱۳۷۰؛ ۳۷ و ۵۵). سپس در دهه‌های اخیر، این شیوه بافندگی به صورت دستبافته‌ای مستقل تحت عنوان «گلیم شیریکی پیچ» در دو نوع «گلیم سوزنی» و «گلیم - قالی» در مناطق

سیرجان، بافت و ارزشی تولید شده و سپس مناطقی از توابع جیرفت نیز به تولید آن پرداخته است (پروان، ۱۳۹۴؛ ۳۲ و ۳۶).

شیوه بافت «گلیم پیچ‌باف» در مناطق مختلف استان کرمان به دلیل اشتراکات تاریخی و ایلی بسیار نزدیک به هم است و اختلافات جزئی در تولیدات آن‌ها دیده می‌شود. لیکن پژوهش‌های میدانی این مقاله در شهرستان سیرجان متمرکز شده است و با توجه به اهمیت استفاده از واژگان بومی و محلی در پژوهش‌های صنایع دستی، به جای واژه‌های معیار گلیم‌بافی، اصطلاحات بومی بافندگان گلیم شیریکی پیچ در سیرجان مورد استناد قرار گرفته و این واژگان با لغت‌نامه‌ها، فرهنگ‌های عامیانه و فرهنگ‌های تخصصی فرش مطابقت داده شده است.

پیشینه پژوهش در زمینه گلیم شیریکی پیچ دارای غنای کافی نیست و تنها در برخی منابع تخصصی فرش اشاراتی به این موضوع شده است. در زمینه ویژگی‌های فنی گلیم شیریکی پیچ؛ مواد اولیه، ابزار بافندگی، چله‌کشی و بافت آن پژوهشی مستقل در قالب کتاب و مقاله علمی منتشر نشده است. البته در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های هنر موضوع گلیم شیریکی پیچ در پروژه‌های پایانی دوره کارشناسی و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری مورد توجه قرار دارد. بر اساس پایگاه اطلاعاتی «پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران» دو مورد پایان‌نامه کارشناسی ارشد یکی در دانشگاه هنر تهران با عنوان «بررسی ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی و هنری گلیم‌های سوزنی منطقه کرمان و آذربایجان» و دیگری در دانشگاه آزاد اسلامی واحد «تهران مرکزی» با عنوان «بررسی نقش‌مایه‌های گلیم سیرجان» انجام شده است. این پایان‌نامه‌ها تمرکز خود را بر روی طرح و نقش گذاشته‌اند و پایان‌نامه اول اشاراتی کوتاه به مسائل تخصصی بافت گلیم شیریکی پیچ نیز داشته است.

گلیم

دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی انجمن علمی فرش ایران ش‌ماره ۳۱ بهار و تابستان ۱۳۹۶

روش تحقیق

این پژوهش به بررسی شیوه‌های بافندگی گلیم شیریکی پیچ و تحولات آن طی چند دهه اخیر پرداخته است و با توجه به این که نتایج آن برای بافندگان و تولیدکنندگان گلیم قابل استفاده است، از نوع کاربردی محسوب می‌شود. روش تحقیق این پژوهش «توصیفی از نوع مستندنگاری» است و گردآوری اطلاعات مبتنی بر مطالعات میدانی است.

اطلاعات و مستندات این پژوهش در مورد مسائل فنی گلیم پیچ-باف، مربوط به روستاهای ملک‌آباد (خواجه‌شهر امروزی)، دارستان و مکی‌آباد از توابع شهرستان سیرجان است. این مناطق به دلیل این که از کانون‌های مهم بافندگی گلیم شیریکی پیچ در شهرستان سیرجان محسوب می‌شوند، برای پژوهش‌های میدانی انتخاب شده‌اند. برای مستندنگاری هر یک از مراحل بافت گلیم با مراجعه به کارگاه‌های خانگی با بافندگان گلیم شیریکی پیچ مصاحبه‌هایی به عمل آمد و تصاویر مراحل مختلف بافت و ابزار کار بافندگی تهیه شد. برای پرهیز از خطا در اطلاعات میدانی، علاوه بر مصاحبه با بافندگان، مصاحبه‌هایی با ناظران فنی گلیم نیز انجام گرفت. مرجع اطلاعات وضعیت بافندگی گلیم در دهه‌های گذشته، تولیدکنندگان و تجار با سابقه شهرستان بودند و برای بررسی تحولات اخیر در بافندگی گلیم شیریکی پیچ از ایشان مصاحبه به عمل آمد.

برای غنای این پژوهش، بخش‌هایی از اطلاعات میدانی با منابع کتابخانه‌ای در کنار هم قرار داده شده است. در واقع اطلاعاتی که از بازدیدها و مصاحبه‌ها به دست آمده است، با مطالب منابع تخصصی فرش مطابقت داده شده‌اند و به بهترین و دقیق‌ترین نتیجه ارجاع داده شده است. گاهی برای تأیید مطلب یا قوت دادن به مطالب مقاله، ضمن ارائه مستندات میدانی، مطالب منابع منتشرشده نیز آورده شده است.

مواد اولیه، ابزار بافندگی، شیوه چله‌کشی و بافت

«گلیم شیریکی پیچ» سیرجان

الف) مواد اولیه و ابزار بافندگی

ایلات افشار، بچاقچی و شول با شرایط مساعد دام‌پروری در ولایت کرمان، در قرون گذشته به ولایت کرمان به‌ویژه به مناطق سیرجان و بافت سرازیر شدند (پروان، ۱۳۹۴؛ ۳۵ و ۳۸ و ۳۹). زن عشایر با وجود پشم، که محصول دامداری ایل بود، به منظور استفاده بهینه از سرمایه‌های ایل و برای رفاه و آسایش خانواده با رشتن پشم با دوک [duk] و چرخو [čarxu]^۳ و رنگریزی ریس‌ها [ris]^۴ توانست فرش‌هایی زیبا ببافد و خواسته یا ناخواسته نقشی مهم در اعتلای فرهنگ و هنر مناطق مزبور بر عهده گیرد و میراثی گران بها از خود بر جای گذارد.

گلیم شیریکی پیچ تمام پشمی است و شت [šat]^۵ و پود [pud] و ریس آن از پشم است. تمامی ریس «گلیم - قالی» از پشم معمولی تهیه می‌شود؛ اما ریس «گلیم سوزنی» از جنس کرک است. توضیح این که کرک به معنای پشم‌های ظریف گوسفند است که در اصطلاح کرک می‌نامند و به معنای کرکی که در بین موهای بز و شتر می‌روید نیست.^۶

شت و پود و ریس گلیم‌بافی در منطقه سیرجان در دوران گذشته به صورت دستی رشته می‌شد و تنها فناوری به‌کاررفته در آن دوک و چرخو بود که در اختیار بافندگان قرار داشت. در حال حاضر در شهرستان سیرجان کارخانه ریسندگی برای تولید مواد اولیه گلیم و قالی وجود ندارد. تولیدکنندگان گلیم، درصد قابل توجهی از ریس و شت و پود گلیم را از کارخانه‌های ریسندگی مشهد خریداری می‌کنند و بخشی از آن نیز از کارخانه‌های ریسندگی و رنگریزی کاشان و اصفهان تهیه می‌شود.

رنگرزنخانه‌ها در شهرستان سیرجان معدودند و به انگشتان یک دست هم نمی‌رسند و درصد کمی از



مواد اولیه گلیم منطقه را تأمین می‌کنند. ریس در این رنگرخانه‌ها هم به صورت گیاهی و هم به صورت شیمیایی رنگریزی می‌شود. در گذشته تولیدکنندگان فرش در سیرجان گاهی مبادرت به خرید پشم محلی از دامداران و عشایر منطقه می‌کردند و برای مراحل رشته شدن به کارخانه‌های ریسندگی می‌فرستادند و ریس رشته‌شده رنگ‌نشده را با همت رنگرزان محلی رنگریزی می‌کردند؛ اما این سنت نیک، که حاصل آن گلیم‌های اصیل سیرجانی بود، در بین تولیدکنندگان برچیده شده و اکثر تولیدکنندگان به خرید خامه رنگ‌شده از کارخانه‌ها بسنده کرده‌اند. در صورتی که پشم ناحیه کرمان برای فرش‌بافی فوق‌العاده عالی بوده و هست (هانگل‌دین، ۱۳۷۵؛ ۲۴).

در تولید ریس «گلیم‌های سوزنی» به دلیل ظرفیتی که دارند عمدتاً از پشم‌های ظریف وارداتی از نیوزلند، اروگوئه و استرالیا از جمله مری‌نوس استفاده می‌شود؛ اما ریس «گلیم - قالی»‌هایی که نسبت به «گلیم سوزنی» ضخیم‌تر و درشت‌بافت‌تر هستند، با پشم بومی ایران تهیه می‌شود و در صورتی که همانند گلیم سوزنی ظریف باشند، از پشم‌های ظریف خارجی در آن‌ها استفاده می‌کنند. در واقع شاخص استفاده از پشم‌های وارداتی ظرفیت گلیم است و در گلیم‌های ظریف چه «گلیم سوزنی» و چه «گلیم - قالی» از پشم خارجی استفاده می‌شود. در بافت «گلیم - قالی»، علی‌رغم این‌که دو نوع بافت یعنی پیچ‌بافی و قالی‌بافی کاربرد دارد، ریس‌های قسمت گلیم‌بافی و قسمت قالیبافی همانند هستند و با یک نوع ریس بافته می‌شوند.

در گلیم سیرجان دو نوع شت پشمی وجود دارد: ۱- شت ظریفی که برای دار کردن «گلیم سوزنی» و «گلیم - قالی»‌های ظریف کاربرد دارد. ۲- شت با ظرفیت کمتر که برای «گلیم - قالی»‌های پشمی و نسبتاً ضخیمی که با پشم داخلی بافته می‌شوند، به کار می‌رود. شت پشمی نسبت به ریس تاب بیشتری دارد.

تاب بیشتر سبب می‌شود استقامت کششی نخ، که از ویژگی‌های اصلی چله است، بالا رود. در بافت گلیم شیریکی پیچ، نمره نخ پود مصرفی در گلیم با شت برابر است و در صورتی که پود با تعداد لای بیشتری در گلیم به کار رود، از ظرفیت آن کاسته می‌شود.

برای دار کردن یا دراز کردن گلیم،^۶ اولین ابزاری که مورد نیاز است دستگاه گلیم‌بافی یا همان دار است. آنچه از یافته‌های باستان‌شناسی برمی‌آید، ابتدایی‌ترین دارهای بافندگی همان دارهای افقی بوده‌اند که برای حمل و نقل آسان در نهایت سادگی از چوب تهیه می‌شده‌اند. قدیمی‌ترین نشانی که از دار افقی دیده شده است مربوط به تصویری از این دار بر روی کاسه‌ای مصری متعلق به ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد است (هال و دیگران، ۱۳۷۷؛ ۴۶). این نوع دار با قدمتی دیرینه در بسیاری از مناطق فرش‌بافی، به‌خصوص مناطقی که هنوز مشغول به زندگی عشایری و کوچ‌نشینی هستند، باقی مانده است. دلیل استفاده از دار زمینی یا افقی توسط عشایر سهولت حمل و نقل آن در قشلاق و ییلاق و سهولت گستردن آن بوده است. ایلات مختلف در ولایت کرمان از جمله ایل افشار در سیرجان موجب رواج این نوع دار در مناطق ایلایاتی‌باف شده‌اند (یاوری، ۱۳۸۹؛ ۹۹ و ۱۰۰).

درصد بسیار ناچیزی از دارهای گلیم‌بافی به صورت ایستاده یا عمودی هستند. تجربه تولیدکنندگان گلیم نشان داده است که دار گردان فارسی، که در بافتن قالی کرمان رایج است، برای گلیم‌بافی مناسب نیست. آنچه از شواهد برمی‌آید، گلیم همانند قالی استقامت لازم در مرحله پایین‌کشی را ندارد و در حین پایین‌کشی دچار عیوبی از جمله کیسی می‌شود که بخشی از آن مربوط به استقامت نداشتن چله‌های پشمی برخلاف چله‌های پنبه‌ای است و بخشی دیگر نیز ارتباط مستقیم با تک‌پوده بودن گلیم و پرز نداشتن آن دارد که از استقامت کششی گلیم می‌کاهد. البته

گاهی گلیم‌هایی با اندازه‌های بزرگ با مراقبت بسیار زیاد روی دار عمودی دار می‌کنند که با نظارت مستقیم و مستمر ناظر فنی همراه است.

دستگاه بافت گلیم شیریکی پیچ همانند دار گلیم ساده (دار افقی فارسی ثابت) دارای یک کوچی یا گُرد [gord]^۸ و هاف (پی دم [peydam] یا پَسَافِه [passāfe])^۹ است. در گذشته دار این نوع گلیم در منطقه سیرجان، از چهار میخ چوبی به طول حدود یک متر تشکیل می‌شد که به زمین کوبیده می‌شدند و ۷۰ تا ۸۰ سانتیمتر آن‌ها در زمین فرو می‌رفت. دو تیرک چوبی به عنوان سردار و زیردار در پشت میخ‌ها قرار می‌گرفت و چهارچوب دار شکل می‌گرفت. میخ‌های چوبی و تیرک‌ها تمامی فشار چله‌ها را تحمل می‌کردند و در صورتی که در حین بافت چله‌ها شل می‌شد با دیلمی سردار یا زیردار را به عقب اهرم می‌کردند و سنگی در بین سردار و میخ‌ها قرار می‌دادند تا چله‌ها به میزان لازم سفت شود. در حال حاضر چهارچوب این دار، فلزی (آهنی) و شامل تیرهای راسترو و چپ‌رو،^{۱۰} سردار و زیردار است. هر یک از دو سر سردار و زیردار به درون یک سر راسترو و چپ‌رو فرو می‌روند و به یکدیگر متصل می‌شوند

و چهارچوب دستگاه گلیم را می‌سازند. در دو طرف سردار دو پیچ تعبیه شده است که برای تنظیم کشش چله‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (تصویر ۱).

بعد از دار گلیم شیریکی پیچ، ابزار بافندگی از ملزومات اصلی کار است. از ابزار بافندگی این نوع گلیم شانه (کلوزار) برای پودکوبی و قرار دادن پیچ‌های گلیم در جای خود است. شانه‌ای که در بین گلیم‌بافان منطقه سیرجان رایج است دسته‌ای سنگین و برآمده و چوبین دارد که حدود ۱۵ تا ۲۰ تیغه آهنی بر سر آن نصب شده است. دیگری چاقوی گلیم‌بافی است که برای بافت «گلیم - قالی» کاربرد دارد و به وسیله آن سر لویرها [levir]^{۱۱} را در هنگام قالی‌بافی می‌برند. در «گلیم سوزنی» چاقوی قالیبافی کاربردی ندارد و برای بریدن ریس‌ها از قیچی استفاده می‌کنند. از ابزار قدیمی و سنتی گلیم‌بافی شاخ بز کوهی است که برای پیش کشیدن پی دم یا پَسَافِه از آن استفاده می‌کنند. در خصوص ابزار بافندگی گلیم شیریکی پیچ این نکته حائز اهمیت است که فناوری‌های جدید تأثیر چشمگیری در ساختن و کاربری این ابزار نداشته و در طی سده‌ها در ابزار ساده و ابتدایی گلیم‌بافی تغییر چندانی رخ نداده است (تصویر ۲).



تصویر ۱. دار گلیم‌بافی افقی از جنس آهن. پیچ تعبیه‌شده روی دار برای تنظیم چله‌ها کاربرد دارد و در دو طرف سردار تعبیه شده است. (تصویر از روستای دارستان در ۲۵ کیلومتری جنوب شهرستان سیرجان. منبع: نگارنده)



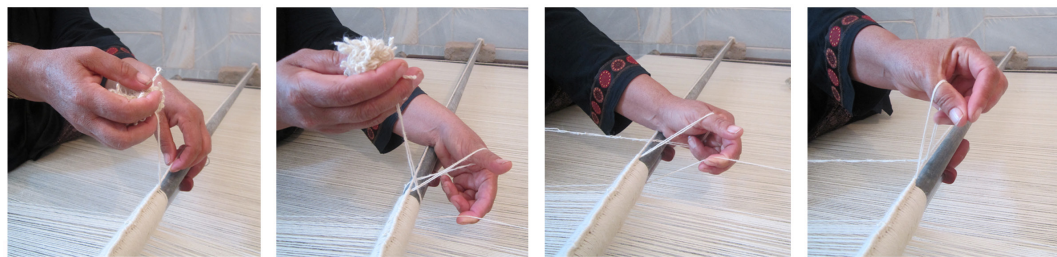
تصویر ۲. سمت راست: شانه گلیم‌بافی و قالیبافی. وسط: چاقوی قالیبافی که در بافتن قسمت‌های قالیبافی در گلیم شیریکی پیچ کاربرد دارد. سمت چپ: قیچی برای بریدن خامه و برش دادن قسمت‌های قالیبافی در روی گلیم. (تصاویر از محله مکی‌آباد واقع در شهر سیرجان. منبع: نگارنده)

ب) شیوه چله کشی و بافت

اولین مرحله برای درازکردن گلیم «تونیدن» [tuni-dan]^{۱۲} کار است. تونیدن گلیم شیریکی پیچ توسط سه نفر انجام می شود که دو تای آنها پشت کار را می گیرند و یک نفر تونیدن را انجام می دهد. کلاف های پشمی چله را قبل از شروع کار به گروک [goruk]^{۱۳} تبدیل می کنند و قطر گروک شت را تا حدی می رسانند که از زیر سردار و زیردار عبور کند. دار چهار پایه دارد که در زیر راست رو و چپ رو قرار دارند و دار را در فاصله حدود ۱۰ سانتیمتری از سطح زمین نگه می دارند. در ابتدای چله کشی، عرض کار را به اندازه ای می گیرند که از راست رو و چپ رو حدود ۱۰ سانتیمتر فاصله داشته باشد که «کناره پیچ» [kenāre pič]^{۱۴} به راحتی پیچیده شود. با انجام عملیات تونیدن، شت ها سردار و زیردار را دور می زنند و یک زیگزاگ یا ضربدر در وسط دار به وجود می آید. چله کشان، که اصولاً همان بافندگان هستند، پشت کار را می گیرند یعنی فاصله بین شت ها و میزان کشش آنها را با مهارتی که در این کار دارند تنظیم می کنند.

گلیم شیریکی پیچ همانند قالی رجشمارهای متعددی ندارد و فاصله بین شت ها در واریز کردن آنها برای «گلیم سوزنی» و «گلیم - قالی» از دو صورت خارج نیست: ۱- «گلیم سوزنی» و «گلیم - قالی» ظریف که در هر ۱۰ سانتیمتر حدود ۶۲ شت واریز می شود. ۲- «گلیم - قالی» پشمی نسبتاً ضخیم که در هر ۱۰ سانتیمتر حدود ۵۲ شت واریز می شود. بعد از اتمام عملیات تونیدن گلیم و واریز چله ها، نوبت بستن گرد یا «گرد گرفتن» می رسد. گرد در گذشته از جنس چوب بوده است؛ اما در طی زمان به لوله ای فلزی تبدیل شده است که در دو انتهای آن دو شیار به منظور بستن یک نخ چندلا در طول آن وجود دارد. این نخ برای بستن نخ گردگیری و ثابت کردن جایگاه شت ها در طول گرد در شیارهای دو سر آن

بسته می شود. برای این که گرد بتواند فاصله لازم در بین شت های زیر و رو را به وجود آورد، دو پاره آجر یا تخته صاف در زیر آن بین گرد و راست روها قرار می دهند و گرد بر روی آن می نشیند. نخ گردگیری از جنس شت لیکن چهارلاست و بافته آن را به نخ تعبیه شده بر روی گرد گره می زنند و ضمن این که طول آن را به صورت توده ای از شت به اندازه کل عملیات گردگیری در دست راست خود نگه می دارد، در مرحله اول نخ گردگیری را از زیر نخ تعبیه شده بر روی گرد به صورت حلقه روی انگشت شصت دست چپ می اندازد و توده نخ را به سمت خود نگه می دارد (تصویر ۳ مرحله ۱). در مرحله دوم برای این که نخ گردگیری از زیر اولین چله عبور داده شود، بافته چله مزبور را بالا نگه می دارد (تصویر ۳ مرحله ۲). در مرحله بعدی توده نخ گردگیری را از زیر گرد به پشت چله ای که در مرحله قبل بالا گرفته بود می برد و از روی گرد بالا می آورد و از حلقه ای که در مرحله ۱ ایجاد کرده بود عبور می دهد (تصویر ۳ مرحله ۳). با کمی کشیدن نخ گردگیری، شت یا همان چله در حالت کشش مختصری قرار می گیرد؛ به طوری که میزان کشش شت های زیرین در تمام عرض کار و فاصله این شت ها تا گرد یکسان می شود و این کار به صورت یک شت در میان (یک شت زیر و یک شت رو) تا پایان گردگیری تکمیل می شود (تصویر ۳ مرحله ۴). بافته در حین گردگیری چوب باریکی زیر گرد می گذارد (در گذشته تیراش [tirāč]^{۱۵} گذاشته می شد) تا نخ گردگیری را روی آن با کشش یکسان سفت نماید و پس از هر بیست الی سی سانتیمتر گردگرفتن، این چوب از زیر گرد بیرون کشیده می شود و کشش یکسانی برای شت هایی که در زیر گرد بسته شده اند ایجاد می کند و شت ها نیز به گرد محکم نمی شوند تا در زمان جابه جایی گرد برای بازکردن دهنه کار یعنی فاصله گرد از محل بافت مشکلی ایجاد نشود.



مرحله ۱
مرحله ۲
مرحله ۳
مرحله ۴

تصویر ۳. چهار مرحله گردگیری گلیم شیریکی پیچ. (تصاویر از محله مکی آباد واقع در شهر سیرجان. منبع: نگارنده)

از بازشدن پیچ‌ها بافته می‌شود. بعد از این که حدود ۳۰ سانتیمتر از ابتدای گلیم بافته شد، الواری در زیر قسمت بافته‌شده گلیم قرار داده می‌شود تا بافته بر روی آن بنشیند و کار بافت را انجام دهد. آجرهایی در زیر تخته قرار می‌گیرد تا تخته در زیر گلیم بچسبد و وزن بافته را تحمل کند و به این ترتیب از پارگی و عارض شدن عیب بر گلیم جلوگیری شود. زمان لازم برای بافتن یک گلیم ذرع و نیم، اگر عملیات بافت به صورت مداوم انجام شود، حدود یک ماه است و با بافتن پاره‌وقت دو ماه طول می‌کشد.

شیوه «پیچ‌بافی» در گذشته برای تزئین سفره‌ها در بخش‌های کوچکی از سطح بافت کاربرد داشت. پرویز تناولی ساختار بافت سفره‌های افشاری را ترکیبی از انواع بافت گلیم از جمله گلیم ساده، چاک‌دار، دوقلابه و پیچ‌بافی نوشته است. وی شیوه «پیچ‌بافی» را در نمکدان‌های افشاری و دیگر عشایر کرمان در کنار انواع بافت‌های تختی که در آن‌ها به کار رفته مشاهده کرده است (تناولی، ۱۳۷۰؛ ۳۷ و ۵۵).

شیوه پیچ‌بافی در گلیم شیریکی پیچ از نوع «پیچ‌باف مرکب» است. در این شیوه، برخلاف پیچ‌باف ساده که بودکشی ندارد، پس از هر رج پیچ‌بافی یک رشته بود ضخیم یا روپود [rupud] کشیده می‌شود (هال و دیگران، ۱۳۷۷؛ ۵۵). به عقیده برخی مطلعین این نوع گلیم در گذشته بود خردکو [xordku] یا ته‌پود [-tah-pud]^{۱۶} نیز داشته است که به مرور زمان حذف شده

در مرحله بعدی باید شت‌ها به گونه‌ای در دهنه کار قرار بگیرند که بافته بتواند ریس‌ها را به صورت پیچ به دور آن‌ها ببافد. به این منظور پس از گردگیری باید دهنه کار باز شود و زیگزاگ ایجادشده در شت‌ها که در وسط دار قرار گرفته است، به قبل از گرد یعنی به ابتدای بافت انتقال یابد. بافته هاف را بین شت‌ها، مابین زیگزاگ و سردار قرار می‌دهد و با آن زیگزاگ ایجادشده را تا زیر گرد می‌آورد. سپس با فشار دست به سطح شت‌ها در دهنه کار، زیگزاگ را به قبل از گرد می‌رساند و چله چندلای تابیده‌شده‌ای را مابین زیگزاگ و گرد از بین چله‌ها عبور می‌دهد. سپس با ضربات نرم دفتین یا همان شان، زیگزاگ با دقت به ابتدای بافت - چسبیده به زیردار - انتقال می‌یابد. دهنه کار باید از «ی و ج و چهار ناخون» (حدود سی سانتیمتر) بیشتر نباشد تا کار شل نشود. زمان لازم برای دراز کردن یک گلیم ذرع و نیم، از تونیدن کار تا باز کردن دهنه کار و آماده شدن برای بافت حدود ۸ ساعت طول می‌کشد.

اکنون بافته می‌تواند عملیات بافت را آغاز کند. پس از مرحله باز کردن دهنه کار، مرحله زدن شله [šele] است که منظور کرباس‌بافی ابتدای بافت است. شله‌کوبی با پس و پیش کردن پَسافه و کوبیدن چندین بود نسبتاً ضخیم بر روی هم بافته می‌شود. بسته به اندازه گلیم، بین ۵ تا ۸ سانتیمتر به این کار اختصاص می‌یابد که در ابتدا و انتهای گلیم برای جلوگیری

است. نقش پود در گلیم شیریکی پیچ همچون قالی نگه داشتن تارها در کنار یکدیگر است (چابکی، ۱۳۸۱؛ ۱۴۴). پود در گلیم شیریکی پیچ در پشت پیچ‌ها پنهان است و نقش اتصال عرضی چله‌ها را بر عهده دارد. پس از اتمام هر رج، پود با شانه کوبیده می‌شود و در زیر پیچ‌ها و لوی‌های قسمت قالی‌بری پنهان می‌شود و پیچ‌ها را در جای خود محکم می‌کند. تفاوت «گلیم - قالی» و «گلیم سوزنی» از نظر پوددهی در این است که در «گلیم - قالی» قسمت‌های قالی‌بافی، علاوه بر پود کلفت، پود ته‌پود یا نازک نیز نیاز دارد. گلیم شیریکی پیچ با توجه به این که پیچ‌باف است و پود نیز بر روی هر رج کوبیده می‌شود، نسبت به گلیم معمولی کمی ضخیم‌تر است (یاوری، ۱۳۸۹؛ ۵۴).

پیچ‌بافی در شیوه بافت گلیم شیریکی پیچ علاوه بر این که باعث استحکام این نوع گلیم می‌شود، در نقش‌پردازی نیز قابلیت‌هایی همانند قالی برای بافنده ایجاد می‌کند و برخلاف گلیم‌های ساده، پود عامل به وجود آوردن نقش نیست و این ریس‌های گلیم هستند که با پیچش خود دور شت‌ها با رنگ‌های مختلف نقش را به وجود می‌آورند. آلستر هال معتقد است که «پیچ‌بافی بافنده را قادر می‌سازد تا بافت‌هایی جالب و نقش‌هایی ابداعی را که در گلیم‌های دیگر دیده نمی‌شود ببافد» (هال و دیگران، ۱۳۷۷؛ ۵۴). در واقع هر پیچ به مثابه یک خانه نقشه گلیم است و مانند قالی می‌توان نقشه‌های پیچیده را روی آن اجرا کرد.

در شهرستان سیرجان دو نوع گلیم شیریکی پیچ مشاهده می‌شود. یکی به «گلیم سوزنی» معروف است و به طور کامل از شیوه بافت سوماک تبعیت می‌کند و دیگری تلفیقی از شیوه بافت سوماک و بافت قالی است که به «گلیم - فرش» یا «گلیم - قالی» شهرت دارد.

در واقع «گلیم سوزنی» نامی مصطلح است و روی گلیم شیریکی پیچ هیچ‌گونه سوزن‌دوزی انجام

نمی‌شود. آلستر هال هم در کتاب خود نوشته است که گلیم‌های پیچ‌باف را به اشتباه «سوزن‌دوزی» می‌نامند (هال و دیگران، ۱۳۷۷؛ ۵۵). در واقع ریشه واژه سوزنی برای گلیم پیچ‌باف در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و پژوهش‌های میدانی این مقاله نیز موفق به ریشه‌یابی واژه سوزنی برای گلیم شیریکی پیچ نشد و پژوهش‌های کتابخانه‌ای نیز نتیجه مشخصی برای آن نداشت. لذا تنها می‌توان فرضیاتی در این زمینه مطرح کرد. می‌توان احتمال داد عامل نام‌گذاری «گلیم سوزنی» در سیرجان در ارتباط با اصطلاح «گلیم‌های سوزنی» شمال غربی ایران باشد. احتمالاً به دلیل ارتباط تاریخی و فرهنگی و شباهت‌هایی که بین ورنی و گلیم شیریکی پیچ است، منجر به نام‌گذاری نوعی از گلیم شیریکی پیچ تحت عنوان «گلیم سوزنی» شده است. همچنین این فرضیه را نیز می‌توان طرح کرد که این نام‌گذاری می‌تواند از سوی تولیدکنندگان و بافندگان گلیم برای مشخص کردن تفاوت گلیم ساده شیریکی پیچ با گونه «گلیم - قالی» مورد استفاده قرار گرفته باشد.

ترکیب پیچ‌بافی با قالیبافی تحولی است که گلیم پیچ‌باف سیرجان طی دهه‌های گذشته از نظر شیوه بافت تجربه کرده است. شیوه «گلیم - فرش» یا «گلیم - قالی» با روش «نیم‌لول» بافته می‌شود.^{۱۷} در این شیوه برخی از حاشیه‌ها و گل‌ها همانند قالی با گره فارسی در روی گلیم بافته و سپس پرداخت می‌شود که به قسمت‌های قالیبافی «قالی‌بری» می‌گویند. پرویز تناولی ترکیب بافت تخت با بافت پرزدار را در نمونه‌هایی از نمکدان‌های افشاری و دیگر عشایر کرمان که متعلق به اواسط قرن ۱۴/۲۰م به بعد بوده‌اند مشاهده کرده و ترکیب بافت‌های تخت مثل گلیم‌بافی، پیچ‌بافی و ... را با بافت پرزدار نوشته است (تناولی، ۱۳۷۰؛ ۵۵). همچنین پژوهش‌های میدانی نشان می‌دهد که در دهه‌های گذشته بافتن قالی در بخش‌هایی از سفره‌ها

و بقچه‌های گلیمی که به شیوه پیچ‌بافی بوده‌اند کاربرد داشته است. لیکن عمر شیوه «گلیم - قالی» تحت نام شیریکی پیچ در سیرجان بین ده تا پانزده سال بیشتر نیست. در واقع در یک و نیم دهه گذشته، با ترکیب شیوه گلیم‌بافی و قالیبافی، دستبافته‌ای متفاوت عرضه شد که در بازار داخلی و خارجی فرش ایران جایگاه ویژه‌ای دارد.

باید توجه داشت که سهم غالب در «گلیم - قالی» سطح پیچ‌بافی است و همواره سطح محدودی از گلیم به قالیبافی یا قالی‌بری اختصاص می‌یابد. در طی سالیان گذشته بافندگان و تولیدکنندگان «گلیم - قالی» سطح قالی‌بری را از گل‌هایی به صورت مجزا شروع کردند و طبق تجربه به این نتیجه رسیدند که برای جلوگیری از افشان شدن و بدنما شدن پرزهای این گل‌ها در عملیات تکمیلی شور بهتر است که به جای گل‌های تک سطح وسیع‌تری را قالی‌بری کنند که انسجام پرزها را به دنبال داشته باشد. به این جهت، ابتدا در برخی طرح‌ها حاشیه بزرگ برای قالی‌بری انتخاب شد و در طی زمان در طرحی مانند قاب‌قابی در متن گلیم درون قاب‌ها را قالی‌بری کردند که این شیوه قالی‌بری هم‌اکنون به ساده‌بافی دور قاب‌ها انتقال

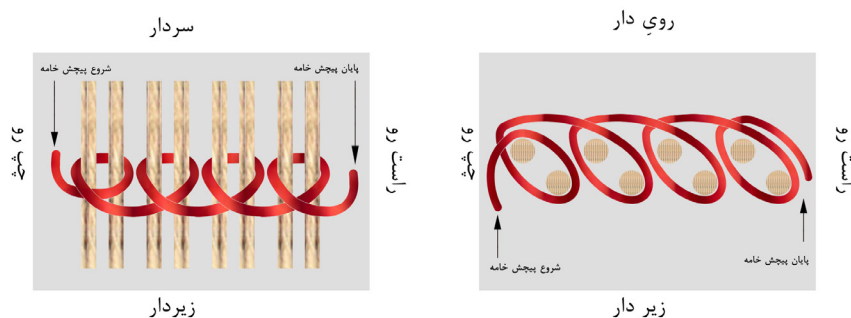
یافته است (تصویر ۴).

در بافتن گلیم شیریکی پیچ دو نوع پیچ‌بافی وجود دارد: ۱- شیوه‌ای که چند پیچ متوالی به یک رنگ بافته می‌شود که در اصطلاح به «گره متن» شهرت دارد. ۲- پیچ‌هایی که در ایجاد نقطه‌چین دور نقش‌ها یا خطوط عمودی کاربرد دارد که در اصطلاح به آن‌ها «گره آبدوزی» گفته می‌شود.

در پیچیدن «گره متن»، که چند پیچ در کنار هم هستند، ابتدا ریس در دست راست بافته^{۱۸} قرار می‌گیرد و سپس در سمت چپ اولین شت مورد نظر قرار داده می‌شود. سپس از روی «دو جفت شت» به زیر گلیم هدایت می‌شود و از بین دو جفت شت مزبور به روی شت‌ها برمی‌گردد و برای پیچیدن جفت شت بعدی به همین ترتیب ادامه داده می‌شود. هدایت شت‌ها توسط دست چپ بافته که تا نیمه در بین آن‌ها فرو برده شده است انجام می‌شود. پس از پیچیدن ریس، سر اضافی آن برای محکم شدن پیچ و جلوگیری از باز شدن آن از لایه‌لای شت‌ها به پشت گلیم هدایت و پس از کوبیدن پود در جای خود محکم می‌شود. سر ریس‌های اضافی در پشت گلیم در مراحل تکمیلی با شعله آتش کز داده می‌شوند (تصویر ۵).



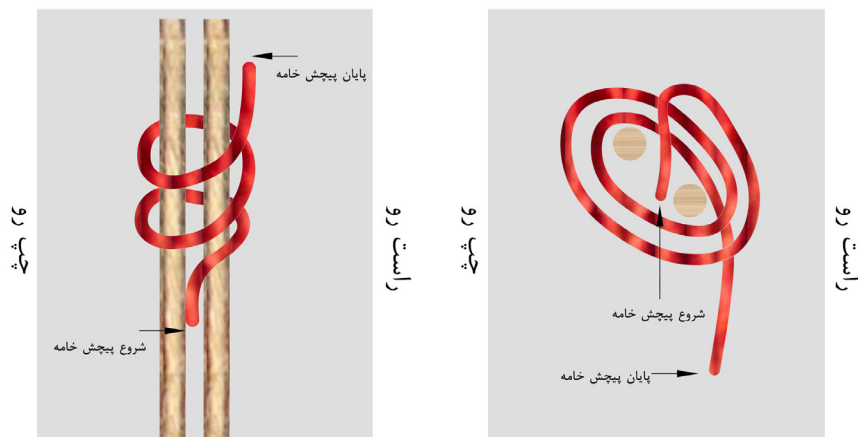
تصویر ۴. سمت راست: «گلیم - قالی» که حاشیه بزرگ و دور قاب‌های متن به صورت «قالی‌بری» بافته و روگری شده است. سمت چپ: گلیم سوزنی که تمام سطح گلیم به صورت پیچ‌باف بافته شده است. (تصاویر از روستای دارستان در ۲۵ کیلومتری جنوب شهرستان سیرجان. منبع: نگارنده)



تصویر ۵. گره متن. سمت راست: نمای گره‌های پیچ‌یاف که با برش چله‌ها تصور شده است و از سمت زیردار به آن نگاه شده است. سمت چپ: نمای چله‌ها که خامه به دور آن پیچیده شده است و بیننده از کنار زیردار به آن نگاه می‌کند. (منبع: نگارنده)

کوبیدن پود بر روی آن محکم می‌شود. به دلیل این که خامه گلیم در پیچ‌های آبدوزی دو بار روی هم پیچیده می‌شود، سطح بافت در قسمت‌هایی که با گره‌های آبدوزی بافته شده است جلوتر از سطحی که با گره‌های متن بافته شده است قرار می‌گیرد. به این سبب با گره‌های آبدوزی متعددی که در حاشیه بافته می‌شود، به مرور در طی بافتن گلیم قسمت‌های ساده‌بافی، که با گره‌های متن بافته شده‌اند، گاهی تا چهار رج از قسمت حاشیه عقب می‌افتند. در این جا بافته برای جبران این عقب‌ماندگی چند رج گره متن را به صورت تکراری روی این قسمت‌ها

در پیچیدن «گره آبدوزی»، که برای ایجاد نقطه‌چین‌های دور نقوش و خطوط عمودی در نقشه گلیم به کار می‌رود، ابتدا ریس در بین یک جفت شت زیر و رو قرار داده می‌شود و سپس دو بار به دور شت زیر و رو پیچیده می‌شود و برای این که خطوط و دورگیری نقوش در سطح گلیم بهتر نمایان شوند، بافته دو پیچ را روی هم فشرده می‌کند تا یکنواخت به نظر آیند. برای این که گره در جای خود قرار گیرد، دو سر پیچ که به پشت گلیم هدایت شده است، توسط بافته به پایین و پشت گلیم کشیده و با قرار گرفتن و



تصویر ۶. گره آبدوزی. سمت راست: نمای گره پیچ‌یاف که با برش چله‌ها تصور شده است و از سمت زیردار به آن نگاه شده است. سمت چپ: نمای چله‌ها که خامه به دور آن پیچیده شده است و بیننده از کنار زیردار به آن نگاه می‌کند. (منبع: نگارنده)

می‌بافد تا سطح بافت یکسان شود (تصویر ۶).

معمولاً وقتی بافنده یک ریس رنگی را برمی‌دارد، سعی می‌کند طول ریس را به اندازه‌ای بگیرد که پیچ‌های نزدیک به هم را با آن ببافد. به این صورت که بافنده وقتی گره متن یا گره آبدوزی را بافت، ریس را با قیچی نمی‌برد و با رد کردن آن از زیر شت‌های گلیم به گره یا گره‌های بعدی هم‌رنگ می‌رساند و در صورتی که گره‌های بعدی با فاصله خیلی زیادی قرار نداشته باشند و باعث هدر رفتن خامه نشوند، ادامه می‌دهد. این شیوه با پیوسته کردن پیچ‌ها در استحکام گلیم تأثیر بسزایی دارد. به این ترتیب ریس‌های زائدی که در پشت گلیم رها می‌شود و ریس‌هایی که از زیر شت‌های گلیم برای سرعت بخشیدن به بافت عبور داده می‌شوند، باعث می‌شود که گلیم شیریکی پیچ گلیمی یک‌رویه از کار درآید.

عملکرد گرد و پی‌دم در دارهای زمینی فارسی برای عملیات بافندگی بسیار با اهمیت است. چوب گرد و چوب پی‌دم وظیفه دارند که شت‌ها را در وضعیت مناسبی برای عملیات بافت و پودکوبی قرار دهند. برای شروع بافت پی‌دم به عقب هدایت می‌شود. عقب بردن پی‌دم برای بافت به این دلیل است که شت‌های زیر و رو در فضای بین گرد و دم کار به هم نزدیک شوند و گرفتن یک جفت از آن‌ها به سادگی انجام شود. برای عملیات پودکوبی پی‌دم به نزدیک و زیر گرد کشیده می‌شود و عملیات پودکوبی انجام می‌گیرد. معمولاً قطر چوب گرد بیشتر از قطر چوب پی‌دم است.

کناره یکنواخت و مستقیم به‌دور از اعوجاج در زیبایی گلیم تأثیر بسزایی دارد. به‌طور معمول بافندگان گلیم با یک تسمه پارچه‌ای، که به قسمت بافته‌شده گلیم دوخته می‌شود، دو طرف گلیم را به راست‌رو و چپ‌رو می‌بندند تا عرض گلیم را در اندازه دقیق خود نگه دارند. در حین بافت مهار کردن کناره گلیم

برای جلوگیری از «تو رفتن» یا «بیرون آمدن» از عرض گلیم از مهارت‌های مهم بافنده در مدیریت کردن بافت است.

معمولاً کناره پیچ در گلیم شیریکی پیچ روی دار و هنگام بافت به صورت متصل پیچیده می‌شود و ریس پیچیده‌شده در آن از ریس‌های گلیم است که نسبت به اندازه گلیم به دور یک، دو یا چند رشته شت بیرونی در دو طرف گلیم پیچیده می‌شود. کناره پیچ در گلیم شیریکی پیچ به شیوه‌های گوناگونی اجرا می‌شود. گاهی در حین تونیدن گلیم، قبل از گردگیری چند رشته نخ شت به هم تابیده‌شده (تعداد لای آن بستگی به اندازه گلیم دارد) در دو طرف طولی شت‌ها به زبردار و سردار می‌بندند و کناره پیچ را بر روی آن به صورت متصل به کناره گلیم می‌بافند که به صورت برجسته در کناره‌های طولی گلیم دیده می‌شود و بافتن آن نیز راحت‌تر است. در شیوه دوم بافنده از شت‌های بافت استفاده می‌کند و شیرازه را دور دو یا چهار شت انتهایی دو طرف عرض گلیم می‌بافد و کناره پیچ ظریفی را برای گلیم که هم سطح بقیه بافت دیده می‌شود به وجود می‌آورد. معمولاً رنگ کناره پیچ هم‌رنگ متن گلیم در نظر گرفته می‌شود.

گلیم شیریکی پیچ در اندازه‌های متعددی از کوچک‌ترین اندازه ۱۰×۱۰ سانتیمتر شروع می‌شود و به بزرگ‌ترین اندازه‌ها حتی بزرگ‌تر از ۴×۶ متر نیز می‌رسد. اندازه‌های رایج عبارت‌اند از:

۱- دستگیره آشپزی در اندازه‌های ۱۰×۱۰ و ۱۵×۱۵ سانتیمتر و زیرتلفنی در اندازه‌های ۲۰×۲۰، ۲۵×۲۵، ۳۰×۳۰، ۴۰×۴۰ و ۵۰×۵۰ سانتیمتر.

۲- جای دستمال‌کاغذی، کیف دستی و کیف پول (تصویر ۷).

۳- خَرک در اندازه‌های ۳۰×۹۰، ۳۰×۱۲۰، ۳۰×۱۵۰ و ۳۰×۱۸۰ سانتیمتر که برای تزئین سطوح با عرض کم مانند میزهای پذیرایی مبلمان و سطوح



کابینت آشپزخانه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴- سفره و بقچه در اندازه‌های ۹۰×۹۰ ، ۱۱۰×۱۱۰ ، ۱۲۰×۱۲۰ ، ۱۵۰×۱۵۰ و ۱۷۵×۱۷۵ که این اندازه‌ها تقریباً منسوخ شده و بافت آن‌ها به‌ندرت در بین بافندگان رایج است.

۵- کناره در عرض ۷۵ سانتیمتر و طول ۲، $۲/۵$ ، ۳ و $۳/۵$ متر و همچنین کناره در عرض ۸۰ سانتیمتر و طول ۲ تا ۶ متر.

۶- اندازه‌های رایج از پادری تا گلیم بزرگ نیز به ترتیب ۹۰×۶۰ ، ۱۱۰×۷۰ و ۱۲۰×۸۰ سانتیمتر، $۱/۵ \times ۱$ ، $۲/۲۰ \times ۱/۳۰$ ، $۲/۲۰ \times ۱/۴۰$ ، $۲/۴۰ \times ۱/۷۰$ ، $۲/۵ \times ۱/۷۰$ ، ۲×۲ ، $۲ \times ۲/۵$ ، ۲×۳ ، ۳×۴ ، ۳×۵ ، ۴×۶ و ۶×۸ متر.



تصویر ۷. گلیم شیریکی پیچ به صورت کیف. (تصویر از شرکت تعاونی فرش دستباف روستایی شهرستان سیرجان. منبع: نگارنده)

در بین اندازه‌های رایج در گلیم شیریکی پیچ اندازه‌های $۱/۵ \times ۲$ و $۱/۷۰ \times ۲/۴۰$ و ۲×۳ متر بیشترین فروش را در بازار دارند و توجه مشتریان داخلی و خارجی این نوع گلیم را به خود جلب کرده‌اند؛ اما بیشترین میزان تولید با این مطلب هم‌خوانی ندارد و مربوط به اندازه‌های پادری ۹۰×۶۰ و «ذرع و نیم» است. از دلایل استقبال بافندگان به تولید گلیم در اندازه‌های کوچک این است که فضای ساختمان

زندگی بافندگان محدود شده و دارهای در ابعاد پایین‌تر برای فضای منازل آن‌ها مناسب‌تر است. دومین دلیل در این زمینه احتیاج نداشتن به همکاری چند بافنده در بافتن گلیم‌های با ابعاد کوچک است و بافنده با استقلال کامل به‌تنهایی در هر زمانی بدون محدودیت به بافت می‌پردازد و علاوه بر استقلال کاری، گلیم را در مدت‌زمان کوتاه‌تری به اتمام می‌رساند. نتیجه این رویکرد تطابق نداشتن تولیدات با تقاضای مشتریان است که از معضلات تولید گلیم شیریکی پیچ به صورت خویش‌فرمایی است.

تزئیناتی که در حین بافت و گاهی پس از بُریدن گلیم^{۱۹} به آن افزوده می‌شود، بستگی به سلیقه بافنده و پسند بازار فروش آن دارد. یکی از این تزئینات گُلَمپَک [golompak] است که در طول گلیم گاهی در حین بافت و گاهی پس از بُریدن گلیم به آن بافته یا دوخته می‌شود. اخیراً این نوع تزئین کمتر مورد پسند بافندگان واقع شده است و اغلب بافندگان مسن‌تر این تزئین را در گلیم می‌بافند. ریشه‌ها نیز پس از بُریدن گلیم تزئین می‌شود. گاهی بافندگان ریشه‌ها را در دسته‌های چندتایی با یک رشته خامه رنگی می‌پیچند و انتهای آن را همانند گُلَمپَک آزاد می‌گذارند و گره می‌زنند. گاهی ریشه‌ها برای تزئین به صورت گیس‌باف بافته می‌شوند. گاهی شِلَه ابتدا و انتهای بافت باز می‌شود و گرهی تزئینی برای جلوگیری از باز شدن سر و ته گلیم به نام «دو گره» به ریشه‌ها زده می‌شود. همچنین از تزئینات ابتدا و انتهای گلیم، گره ملیله‌ای است که در بین شِلَه‌کوبی یا کرباس‌بافی ابتدا و انتهای گلیم اجرا می‌شود.

■ نتیجه‌گیری

گلیم شیریکی پیچ دستبافته‌ای پشم در پشم است که ریشه در خودکفایی و ارزش‌آفرینی عشایر دارد. در گذشته مواد اولیه فرش‌بافی به صورت دست‌ریس از

پشم محلی تهیه می‌شد؛ اما با صنعتی شدن ریسندگی، پشم در کارخانه‌های ریسندگی ریسیده می‌شود. نبودن زیرساخت‌های صنعتی لازم در زمینه ریسندگی و رنگرزی در شهرستان سیرجان، که مهم‌ترین مرکز تولید این دستبافت در استان کرمان است، فرصت استفاده از پشم بومی در گلیم شیریکی پیچ را تضعیف کرده است.

در مورد ابزار کار، دار بافندگی و شیوه چله‌کشی گلیم شیریکی پیچ می‌توان گفت که نسبت به گذشته تحولی اساسی در آن‌ها به وجود نیامده و همان فناوری‌های بومی و سنتی ایلات و عشایر برای این هنر به ارث رسیده است و چله‌دوانی و واریز چله‌ها همانند گذشته روی دار به صورت همزمان انجام می‌گیرد. تنها تحولاتی اندک در جنس دار رخ داده و در طی زمان از چوبی به فلزی تبدیل شده است.

شیوه بافندگی «گلیم پیچ‌باف» در منطقه سیرجان در دهه‌های اخیر تحولاتی را تجربه کرده است. در واقع این شیوه در گذشته برای تزئین سفره‌ها، نمکدان‌ها و بقچه‌های گلیمی کاربرد داشته است. لیکن در دهه‌های اخیر گلیم‌هایی تماماً «پیچ‌باف» با نام گلیم شیریکی پیچ (از نوع «گلیم سوزنی») تولید شده است و در وهله بعد در حدود پانزده سال پیش با ترکیب شیوه پیچ‌بافی و قالببافی شیوه «گلیم - قالی» در این منطقه رایج شده است. «گلیم - قالی»‌هایی که اخیراً بافته می‌شوند در قالبی متفاوت و در اندازه‌های مختلف با کاربردهای گوناگون عرضه می‌شوند.

■ پی‌نوشت‌ها

۱- پرویز تناولی در کتاب نان و نمک در مورد «سفره» نوشته است: «سفره بر دو نوع است: یکی سفره آردی و دیگری سفره غذاخوری. سفره آردی، که به آن سفره نان هم می‌گویند، سفره‌ای است نسبتاً کوچک و چهارگوش به ابعاد تقریبی یک متر در یک متر. این سفره را هنگام درست کردن خمیر نان زیر سینی خمیر پهن می‌کنند تا از ریخت و پاش آرد و خمیر بر روی زمین جلوگیری شود. سفره آردی مصرف دیگری هم دارد و آن

نگهداری از نان است. ... به همین علت ... به سفره آردی سفره نان هم می‌گویند.» (تناولی، ۱۳۷۰: ۲۵) همچنین در کتاب فرهنگ عامیانه سیرجان در مورد سفره آمده است: «فرش اتاق خمیری یک حصیر بود و روی آن گلیمی تمیز و روی گلیم سفره‌ای پشمی و دستباف می‌انداختند و تغار یا لگن خمیری را روی سفره می‌گذاشتند، علاوه بر این گلیمی تمیز و آب‌کشیده برای انداختن بر روی تغار خمیر داشتند...» (مؤید محسنی، ۱۳۸۱ الف: ۳۶۱)

۲- پرویز تناولی در کتاب نان و نمک راجع به نمکدان نوشته است: «نمکدان محفظه‌ای است برای نگهداری و حمل نمک. این محفظه بیشتر برای چوپان‌ها بافته می‌شود تا نمک مورد نیاز گله‌هایی را که به کوه و صحرا می‌برند همراه داشته باشند. ... علاوه بر مصارف چوپانی، نمکدان مصرف خانگی هم دارد. بیشتر عشایر ذخیره نمک خود را در همین نمکدان‌های دستباف می‌ریزند و آن را به گوشه‌ای از چادر در نزدیکی محل طبخ می‌آویزند و هنگام درست کردن غذا یا خمیر نان مشتی از آن را به کار می‌برند.» (تناولی، ۱۳۷۰: ۴۴)

۳- چرخو چرخ نخ‌ریسی دستی است که کرک و پشم را با آن می‌ریسند.

۴- به خامه فرش در اصطلاح محلی سیرجان «ریس» می‌گویند.

۵- به تار فرش یا چله در اصطلاح محلی سیرجان «شت» می‌گویند.

۶- «کرک» در لغت‌نامه دهخدا: «پشم نرمی را گویند که از بن موی بز بروید و آن را به شانه برآورند و ریسند و شال و امثال آن بافند و از آن نمک و کلاه و مانند آن هم بمالند.» همچنین در فرهنگ جامع فرش ایران در برابر واژه «کرک» آمده است: پشم یا پرز بسیار نرم. پرزهای نرم و لطیفی که از بن موهای بز می‌روید و آن را می‌چینند و پس از ریسیدن در بافتن پارچه‌های کرکی به کار می‌برند. ... شتر نیز کرک دارد. الیاف کرک که بسیار ظریف و نرم و گرم است به نزدیک پوست حیوان می‌رود. برخی به‌غلط پشمی را که از زیر بغل و سینه گوسفند چیده می‌گردد و از لحاظ نرمی و لطافت بهتر از پشم سایر نقاط بدن حیوان است «کرک» نامند (دانشگر، ۱۳۷۲: ۴۴۳). در بین بافندگان شهرستان سیرجان نیز همین اصطلاح نادرستی که آقای دانشگر در فرهنگ جامع فرش ایران برای «کرک» آورده است رایج است.

۷- به برپا کردن دستگاه گلیم‌بافی یا قالببافی در اصطلاح محلی سیرجان «دار کردن» یا «دراز کردن» گلیم یا قالی می‌گویند.

۸- بافندگان گلیم در استان کرمان به کوچی گرد می‌گویند. فرهنگ جامع فرش ایران کوچی را این‌چنین تعریف کرده است: کوچی [kuji]: وسیله‌ای است که به منظور جداسازی بیشتر تارهای رو و زیر از هم در بافت‌های نامتقارن در زیر چوب هاف بر روی دار [در دارهای عمودی] و کمی برجسته نصب می‌گردد تا بافنده در



گذرانیدن پود به راحتی عمل نماید. در تعریف «نیره» [nire]، که معادل کوچی ثبت شده، آمده است: چوب نسبتاً ضخیم و درازی است که در کمر دستگاه دار به آن محکم می شود و تکیه گاه چله ها است. به عبارت دیگر نخ های چله پشت به وسیله «نزه» به نیره قلاب می گردد و نخ های چله رو آزاد می ماند (دانشگر، ۱۳۷۲؛ ۴۵۴).

۹- ریشه یابی واژه پَسافه بر اساس پژوهش های میدانی در روستای دارستان سیرجان به این صورت است: پَسافه یا پَسافه همان هاف است که هنگام بافتن پس زده می شود و به آن پی دم نیز می گویند. در فرهنگ جامع فرش ایران در برابر واژه هاف [hāf] آمده است: چوبی است نازک تر از «نیره» که برای جدا کردن تارهای زیر از رو به کار می رود. به هنگام چله کشی، نخ چله یک در میان از زیر و روی هاف عبور داده می شود (دانشگر، ۱۳۷۲؛ ۵۶۷).

۱۰- راسترو [rāst row]؛ چوب (نورد) سمت راست دستگاه قالیبافی و چپرو [čap row]؛ تیر سمت چپ دستگاه دار که آن را «بازو یا باهوی چپ» نیز می گویند (دانشگر، ۱۳۷۲؛ ۲۴۱ و ۱۸۵).

۱۱- در برخی مناطق قالیبافی سیرجان گره قالی را «لویر» می گویند.

۱۲- در اصطلاح محلی سیرجان به چله ها «تون» [tun] می گویند. در لغت نامه دهخدا ذیل واژه «تان» آمده است: «تارهای طولانی را گویند که جولاهاگان [بافندگان] به جهت بافتن ترتیب داده اند. ... تار ریسمان های طول پارچه است. تار را نیز گویند که تقیض پود باشد و رشته نکنده را هم گویند که جولاهاگان از پهنای کار زیاده آورند و آن را نبافند.» محمد معین در حاشیه برهان آرد: «از ریشه اوستایی تن [tan] (تنیدن)». همچنین در فرهنگ جامع فرش ایران

در ذیل اصطلاحات مرتبط با واژه «تون» آمده است: ۱- تون کشی [tun keshi]: یا چله کشی. ۲- تون گر [tungan]: کارگر بافنده قالی، اصطلاحی است رایج در باختران. تونه [Tuna]: یا «تار، چله» اصطلاحی است که بیشتر در یزد و آذربایجان و در بین روستاییان و عشایر کشور رایج است (دانشگر، ۱۳۷۲؛ ۱۷۰).

۱۳- در اصطلاح محلی سیرجان به گلوله نخ «گروک» می گویند. ۱۴- کناره پیچ: تارهای کناری فرش که «شیرازه دوزی» بر آن انجام می شود. شیرازه فرش را نیز عموماً کناره پیچ گویند. (دانشگر، ۱۳۷۲؛ ۴۵۴)

۱۵- مهری مؤید محسنی در کتاب گویش مردم سیرجان در برابر واژه تیراش، واژه وَردنه را آورده است (مؤید محسنی، ۱۳۸۱ ب؛ ۶۱).

۱۶- خردکو یا ته پود همان پود نازک است.

۱۷- در فرهنگ جامع فرش ایران ذیل اصطلاح «نیم لول باف» آمده است: «شیوه ای است در بافت فرش و آن چنین است که در چله کشی فاصله چله ها به میزان یک قطر نخ تعیین می گردد» (دانشگر، ۱۳۷۲؛ ۵۵۹ و ۴۸۹ و ۱۵۰). این تعریف در مقایسه با تعاریف مربوط به «لول باف» و «تخت» در دایره المعارف مزبور در مورد گلیم شیریکی پیچ مورد بررسی قرار گرفت و بر اساس چگونگی قرار گرفتن چله های زیر و رو در گلیم شیریکی پیچ، این نتیجه به دست آمد که شیوه بافت این نوع گلیم «نیم لول باف» است.

۱۸- گره یا پیچ، به صورتی که توصیف شد، مربوط به بافنده «راست دست» است و در صورت «چپ دست» بودن بافنده همه این موارد برعکس است.

۱۹- منظور از بریدن گلیم، بریدن شت ها و پایین آوردن گلیم از روی دار پس از اتمام بافتن آن است.

■ فهرست منابع

- پروان، رسول، (۱۳۹۴)، «نقش تاریخی ایلات افشار و بچاقچی در شکل گیری «گلیم پیچ باف» در ولایت کرمان»، فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش نامه انجمن ایرانی تاریخ، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۲۷-۴۴.
- تناولی، پرویز، (۱۳۷۰)، نان و نمک، تهران، انتشارات کتاب سرا.
- چابکی، زهره، (۱۳۸۱)، «شیریکی پیچ، نمودی از فرهنگ قومی»، ماهنامه کتاب ماه هنر، خرداد و تیر.
- دانشگر، احمد، (۱۳۷۲)، فرهنگ جامع فرش ایران، تهران، نشر دی.
- عمید، حسن، (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی (جلد اول)، تهران، انتشارات اشجع.
- مؤید محسنی، مهری، (۱۳۸۱ الف)، فرهنگ عامیانه سیرجان، کرمان، مرکز کرمان شناسی.
- مؤید محسنی، مهری، (۱۳۸۱ ب)، گویش مردم سیرجان (مجموعه لغات و اصطلاحات و ضرب المثله ها)، کرمان، مرکز کرمان شناسی.
- هال، آستر و ل. ویووسکا، جوزه، (۱۳۷۷)، گلیم، ترجمه شیرین همایون فر و نیلوفر الفت شایان، تهران، نشر کارنگ.
- هانگلدین، آرمن، (۱۳۷۵)، قالی های ایرانی (مواد و ابزار، سوابق نقوش، شیوه های بافت)، ترجمه اصغر کریمی، تهران، انتشارات

فرهنگسرا (یساولی).

- یآوری، حسین، (۱۳۸۹)، شناخت گلیم و گلیم مانده‌های ایران، تهران، نشر آذر.

نشانه‌های آوایی (عمید، ۱۳۸۹: ۱)

واکه (مصوت)		همخوان (صامت)					
ā	آ	g	گ	d	د	b	ب
a	ا	l	ل	z	ذ، ز، ض، ظ	p	پ
e	ـِ	m	م	r	ر	t	ت، ط، ؤ
o	ـُ	n	ن	ž	ژ	s	ث، س، ص
u	و	v	و	š	ش	j	ج
i	ی	y	ی	q	غ، ق	č	چ
-o[w]	ـُ و (تورات)	'	همزه، ع	f	ف	h	ح، ه
- □ ā	ـِ و (بورژوا)			k	ک	x	خ



دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۱
بهار و تابستان ۱۳۹۶

